



بر نقاط قوت سرمایه‌گذاری کنیم یا نقاط ضعف؟

معمولا مدیران توانایی‌ها و برتری‌های ارزشمندی دارند که همین موضوع باعث شده است به موفقیت برسند و بتوانند کسب‌وکاری را راه‌اندازی کنند. آن‌ها وقتی این برتری اصلی را دارند و می‌بینند که توانایی‌های دیگری نیاز است، سعی می‌کنند مهارت‌های دیگری را هم کسب کنند.

مثلا فرض کنید فردی طراح وب‌سایت است و در برنامه‌نویسی کاملا قوی و بزرگوار است. این فرد می‌بیند که برای طراحی سایت و موفقیت بیشتر باید بلد باشد که طراحی گرافیکی هم انجام دهد. بنابراین به این نتیجه می‌رسد که در کنار برنامه‌نویسی به یادگیری مواردی بپردازد که نقاط ضعف خودش است. در طراحی گرافیک هم تا حدودی مهارت پیدا می‌کند و بعد از آن می‌بیند که باید در موارد دیگری هم مهارت داشته باشد و مرتب دنبال یادگیری مهارت‌های جدید می‌رود و سعی می‌کند که توانایی‌های خود را بیشتر کند.

تخصص در یک مهارت

مشکل آن است که معمولا در مهم‌ترین موردی که در آن برتری داشت؛ یعنی برنامه‌نویسی، به اندازه کافی رشد نمی‌کند و بعد از مدتی یادگیری و کسب تخصص بالاتر در کار اصلی‌اش را کنار می‌گذارد و تبدیل به فردی می‌شود که در ده‌ها حوزه، مهارت و توانایی‌های معمولی دارد و در هیچ‌کدام از این موارد خارق‌العاده نیست. بنابراین بهتر است سعی کنیم برتری‌های اصلی خودمان را پیدا کنیم.

شاید در محل کار خود ده کار، شغل و وظیفه را انجام می‌دهیم؛ ولی باید صادقانه بررسی کنیم و ببینیم دقیقا کدامیک از این برتری‌ها باعث می‌شود که درآمد داشته باشیم و کدامیک باعث شده شرکت یا کسب‌وکار ما حفظ شود و از بین نرود. سپس بر همان نقاط قوت سرمایه‌گذاری کنیم.

در هر کاری هرچقدر حرفه‌ای و متخصص باشیم، می‌توانیم سرمایه‌گذاری بیشتری انجام دهیم و برتری خودمان را نسبت به دیگران بیشتر کنیم. با این روش به راحتی می‌توانیم از تمام رقبایان جلوتر باشیم. اغلب لازم نیست بر نقاط ضعف خودمان سرمایه‌گذاری کنیم. اگر گرافیک بلد نیستیم، می‌توانیم آن را به فرد دیگری واگذار کنیم و خودمان به مهم‌ترین مهارتی که باعث موفقیت‌مان شده است متمرکز شویم.

فراموشی برتری اصلی

معمولا کسب‌وکارها زمانی با بحران مواجه می‌شوند که کم‌کم فراموش می‌کنند برتری‌های اصلی آن‌ها در گذشته چه چیزهایی بوده است و چه چیزهایی باعث موفقیت آن‌ها شده است. مرتب به سراغ شاخه‌های مختلف می‌روند و همین موضوع باعث می‌شود که مرتب رشدشان کندتر شده و یا حتی متوقف شود.

پس بهتر است حداکثر یک یا دو حوزه مهم را انتخاب کنیم که در آن بهترین عملکرد ممکن را داشته باشیم. اگر این دو حوزه آینده روشنی دارد و تخصص ما در حال خارج از رده شدن نیست، با توان بسیار زیاد به یادگیری عمیق‌تر بپردازیم و در این زمینه‌ها

آنقدر متخصص شویم تا هیچ فردی نتواند با ما رقابت کند و همه به‌عنوان بالاترین حد متخصص به ما مراجعه کنند.

نکته مهم این بود که به‌جای پیدا کردن نقاط ضعفمان و سرمایه‌گذاری بر آنها، شاید بهتر باشد مهم‌ترین نقطه قوت خودمان را پیدا کنیم و تا جای ممکن آن را قوی‌تر کنیم و فاصله خودمان را در آن زمینه خاص از دیگران بیشتر کنیم.